اعلامیهٔ حقوق بشر

۱۰ دسامبر سال ۱۹٤۸ مجمع عمومی
سازمان ملل متحد قبول کرده‌است.

پیشگفتار

چون اعتراف قدر و قیمت که به همهٔ اهل بشر خاص است و حقوقهای برابر و دخل‌ناپذیر آن اساس آزادی، عدالت و صلح جهان است؛

چون تحقیر و بی‌اعتنایی به حقوق بشر سبب صورت گرفتن عمل وحشیانه‌ای گردیده‌است که وجدان بشریت‌را سخت آزرده و به ایجاد دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فکر فارغ باشند، همچون والاترین آرزوی بشر اعلان نموده‌است؛

چون حقوق انسانها باید در پرتو حکم قانون حمایت شود، تا بشر همچون آخرین علاج به قیام علیه ظلم و حکم‌رانی مطلقه مجبور نگردد؛

چون به گسترش مناسبت دوستانهٔ میان خلقها مساعدت کردن ضرور است؛

چون مردم ملل متحد امان خودرا به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش شخصیت انسانی و برابری حقوق مرد و زن

در آیین‌نامه اعلان کرده‌اند و قرار گرفته‌اند که برای پیشرفت اجتماعی بکوشند و در محیط آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند؛

چون دولتهای اعضاء عهده‌دار شده‌اند به احترام رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی با همکاری سازمان ملل متحد مساعدت کنند؛

چون حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این عهده‌داری اهمیت بزرگ دارد

مجمع عمومی

این اعلامیهٔ جهانی حقوق بشررا همچون وظیفهٔ مشترک تمام مردم و تمام دولتها اعلان می‌دارد، تا هر فرد و هر مقام دولتی آنرا دایماً مد نظر داشته باشند و جد و جهد کنند که با راه آموزش و تعلیم و با تدبیرهای پیشروانهٔ ملی و بین‌المللی اعتبار و اجرای عمومی و ثمره‌بخش آنها

چه در میان مردم دولتهای عضو سازمان و چه در میان مردم قلمروشان به احترام حقوق و آزادیها و تطبیق آنان مساعدت کنند.

مادهٔ ۱

تمام آدمان آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ منزلت و حقوق با هم برابرند. همه صاحب عقل و وجدانند، باید نسبت به یکدیگر برادروار مناسبت نمایند.

مادهٔ ۲

هر یک انسان می‌تواند بدون تفاوتی، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ پوست، جنس، زبان، مذهب، عقیدهٔ سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر و همچنین برآمد ملی و اجتماعی، ثروت، طایفه یا هر موقعیت دیگر باید از تمام حقوق و همه آزادیها که در این اعلامیه ذکر شده‌است، بهرمند گردد.

بر علاوه هیچ تفاوتی نباید به عمل آید که بر اساس وضع سیاسی، حقوقی و یا صاحب‌اختیاری آن به طریقی محدود شده باشد.

مادهٔ ۳

هر کس حق حیات، حق آزادی و حق دخل‌ناپذیر شخصی دارد.

مادهٔ ٤

هیچ انسان نباید در غلامی یا بندگی نگاه داشته شود؛ غلامی و خرید و فروش غلامان به هر شکلی که وجود دارد، منع است.

مادهٔ ۵

هیچ کس نباید تحت شکنجه، جزا یا رفتاری قرار گیرد که ظالمانه، بی‌رحمانه و یا باعث تحقیرشرف و ناموس او

باشد.

مادهٔ ٦

هر کس صرف نظر از بودگاهش، حق دارد، همچون فاعل حقوق شناخته شود.

مادهٔ ٧

همه در نزد قانون برابرند و حق دارند، بدون تفاوتی از حمایت برابر قانونی برخوردار باشند. همه حق دارند، در مقابل هر حقوق‌شکنی که خلاف این اعلامیه باشد و هر طریق به چنین حقوق‌شکنیها به طور برابر از حمایت قانون بهرمند شوند.

مادهٔ ٨

هر انسان به آن حق دارد که دادگاههای ملی باصلاحیت حقوق اورا در مورد پایمال شدن حقوق

اساسی‌اش که در قانون اساسی یا قانون افاده یافته‌است، قطعاً برقرار سازند.

مادهٔ ۹

کسی‌را خودسرانه دستگیر، حبس یا بَدَرْغه (تبعید) کردن ممکن نیست.

مادهٔ ۱۰

هر فرد برای معین نمودن حقوق و عهده‌داریهایش و مقرر کردن اساس‌ناکی گناههای جنایتی که به گردن او گذاشته شده‌است، به طور برابری کامل حقوق دارد که پروندهٔ اورا دادگاه مستقل و بی‌طرف آشکارا و عادلانه بررسی کند.

مادهٔ ۱۱

۱. هر کسی که در بابت صادر کردن جنایت گنهکار دانسته

می‌شود، تا زمانی بی‌گناه است که گناهش در مرافعهٔ آشکارای دادگستری که در آن برای حمایهٔ او تمام امکانیتها فراهم آورده شده‌است، قانوناً هنوز اثبات نگردیده‌است.

۲. کسی‌را برای صادر کردن کرداری و یا بی‌حرکتی، اگر در وقت صادر شدن جنایت، موافق قانونهای ملی و یا حقوق بین‌الخلقی جنایت حساب نشود، جنایت‌کار شماریدن ممکن نیست».

برابر این نظر به جزایی که باید در مورد صادر شدن جنایت داده می‌شد، جزای سخت‌تر دادن ممکن نیست.

مادهٔ ۱۲

به حیات شخصی، عائله‌ای یگان فرد دخالت خودسرانه و به دخل‌ناپذیری منزل، سر مکاتبات، قدر و منزلت و آبروی او خودسرانه قصد کردن ممکن نیست. هر فرد حقوق دارد، در مورد مداخله یا سوءقصد از حمایهٔ

قانون برخوردار گردد.

مادهٔ ۱۳

۱. هر انسان حق دارد، در داخل هر دولت آزادانه مکان و محل اقامتش‌را تغییر و انتخاب کند.

۲. هر آدم حق دارد، مملکت از جمله مملکت خودرا، ترک کند و به مملکت خود بازگردد.

مادهٔ ۱٤

۱. هر کس حق دارد، از تعقیبات در دیگر مملکت پناه گاه جوید و از پناهگاه بهرمند شود.

۲. در موردی که تعقیبات واقعاً در اساس جنایت غیرسیاسی یا کردار مخالف مقصد و اصول ملل متحد باشد، از این حق استفاده نمودن ممکن نیست.

مادهٔ ۱۵

۱. هر انسان حقوق تبعیت دارد.
۲. هر کس‌را از تبعیتش یا از حق تغییر تبعیت خودسرانه محروم کردن ممکن نیست.

مادهٔ ۱۶

مرد و زنی که به سن بلاغت رسیده‌اند، حق دارند بیدون یگان محدودیت نژادی، ملی یا مذهبی ازدواج کنند و عائله تشکیل نمایند. آنها برای ازدواج در دورهٔ عائله‌داری و در مورد طلاق برابرحقوقند.

زن و مرد باید با راضیگی و اختیار کامل همدیگر ازدواج کنند.

عائله رکن طبیعی و اساسی جمعیت است، حق دارد، از پشتیبانی جامعه و دولت برخوردار باشد.

مادهٔ ۱۷

۱. هر انسان حقوق مال و ملک‌داری شخصی. اینچنین

مشترک دارد.
۲. هیچ کس‌را از مال و ملک‌داری خودسرانه محروم کردن ممکن نیست.

مادهٔ ۱۸

هر انسان به آزادی فکر، وجدان و مذهب حقوق دارد. این حقوق آزادانه تغییر مذهب یا اعتقاد، همراه دیگران یا علیحده، رسمی یا خصوصی، آزادانه آموخته، اجرای رسم و آیینهای دینی و مراسمهارا در بر می‌گیرد.

مادهٔ ۱۹

هر انسان حقوق دارد که عقیدهٔ خودرا آزادانه بیان نماید. این حقوق آزادانه و بی‌ملال رعایهٔ عقیدهٔ خود، آزادانه، به هر واسطه، صرف نظر از سرحدهای دولتی، جستجو، دسترس و انتشار معلومات و غایه‌هارا در بر می‌گیرد.

مادهٔ ۲۰

هر انسان حقوق آزادانه در مجلسها، اتحادیه‌ها شرکت کردن دارد.

کسی‌را مجبوراً به یگان اتحادیه جلب کردن ممکن نیست.

مادهٔ ۲۱

۱. هر انسان حق دارد، در ادارهٔ کارهای مملکت خود، بی‌واسطه یا به وسیلهٔ نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت ورزد.

۲. هر کس در مملکتش حقوق برابر شرکت ورزیدن به خدمت دولتی دارد.

۳. اساس حاکمیت حکومتی باید ارادهٔ مردم باشد. این اراده باید به وسیلهٔ انتخاب دولت و بی‌ساخته‌کاری که با راه انتخاب عمومی و برابر با راه آوازدهی پنهانی یا که به